روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۲۰ رمضان ۱۴۴۱ • ۱۴ می ۲۰۲۰

سال هفدهم • شماره ۳۷۲۰ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۲

اذان صبح فردا ۴:۲۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۹

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

مراسم اولین شب قدر در بیمارستان مدرس، عکس: اکبر بدرخانی، مهر

صاف و ساده

زنان آفتاب

هلیا توکلی: «فرانسوا ایکایزر» در مجله تله‌راما مروری کوتاه بر فیلم «زنان آفتاب، یک گاه‌نگاری درباره‌ی دیدن» به مناسبت نمایش این فیلم در جشنواره هات داکس ۲۰۲۰ در کانادا و پخش تلویزیونی از شبکه آرته در فرانسه و آلمان نوشته است. این فیلم مستند ۹۰ دقیقه‌ای ساخته ایران و فرانسه است. در این فیلم مستند در یک روستای کویری در جنوب‌شرقی ایران که با وجودحضور گردشگران ایرانی و خارجی، مدرنیته جامعه شهری راهی به آن ندارد، زنانی در گروه‌های سنی متفاوت به طور مرتب در یک کارگاه فیلم‌سازی توسط کارگردان گرد هم می‌آیند. فیلم‌گرفتن از خود و دیگران به مذاق آنها خوش می‌آید و بر آن می‌شوند تا فعالیت‌های خود و برخورد دیگران را ثبت و ضبط کنند. این زنان با فاصله‌گرفتن از شرایط، عادت‌ها، قضاوت‌های دیگران و بی‌میلی پدران و همسران، پی به فواید این فعالیت رهایی‌بخش می‌برند. آنها تا آنجا پیش می‌روند که با همکاری یکدیگر تولید صنایع دستی را در قالب یک تشکل محلی رونق می‌دهند و برای تولیدات خود از حصیر تا پته‌بافی، دور از دست واسطه‌ها بازار پیدا می‌کنند و با درآمدهای حاصل از محصولات خلاقانه خود، با کمک به لایروبی قنات‌ها به زندگی در روستا رونق می‌بخشند. حامد ذوالفقاری، کارگردان، ناظر این آزادی جسارت‌آمیز و دلیرانه است. او پرتره گروهیِ ساده و فروتنانه‌ای را به این زنان اختصاص می‌دهد که در سرتاسر آن رد روشنی از عطوفت و ستایش به چشم می‌خورد.

***این فیلم تا ۱۷ تیر از شبکه Arte قابل دیدن است.**

کمک‌های شما به انجمن ام اس ایران صرف تامین هزینه‌های تشخیص دارویی و تامین لوازم مورد نیاز بهداشتی و کمک هزینه‌های توانبخشی و معیشتی بیماران ام‌اس میگردد.

Iran MS Society
انجمن مولتیپل اسکلروز ایران
ام اس

www.iranms.ir

راههای همیاری با
انجمن ام‌اس ایران:

*۷۸۰*۲۲۲۳#

*۷۳۳*۴*۲۲۲۳#

تلفن: ۹-۶۶۹۵۳۹۰۷ و ۸-۶۶۹۵۱۱۸۷

شماره کارت: ۶۰۳۷۶۹۱۹۹۰۱۴۵۹۷۱

رسانه

چرا ترامپ نمی‌تواند مچ رسانه‌ها را بخواباند؟

سامان موحدی‌راد: سال آخر ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ هم همچنان با درگیری‌های بالای او با رسانه‌ها در حال سپری‌شدن است. این‌بار موضوع کرونا موجب شده تا ترامپ در جریان جدال لفظی با چین و سازمان جهانی بهداشت به دو رسانه آمریکایی انگ دست‌نشانده بودن بزند. ترامپ به‌تازگی گفته است که سی‌ان‌ان و ان‌بی‌سی، دو رسانه دست‌نشانده چینی‌ها در آمریکا هستند. این پرده چندم درگیری رسانه‌ها با ترامپ است. درگیری‌ای که باوجود همه جد و جهدهای ترامپ نتوانسته به تضعیف رسانه‌ها در آمریکا منجر شود و می‌بینیم که در سال آخر ریاست‌جمهوری‌اش همچنان رسانه‌ها دست‌وپای او را بسته‌اند. با دکتر محمدمهدی فرقانی، استاد ارتباطات دانشگاه درباره این موضوع که چرا ترامپ با همه قدرتی که دارد، نمی‌تواند رسانه‌ها را در آمریکا تضعیف کند، حرف زدیم.

چرا ترامپ تااین‌حد به درگیری با رسانه‌ها علاقه‌مند است؟

درباره برخورد ترامپ با رسانه‌ها باید به این نکته توجه کنیم که ترامپ حتی قبل از رسیدن به ریاست‌جمهوری هم به‌عنوان یک فرد خودشیفته معتقد به پروپاگاندا مشهور است. کسی که فکر می‌کند با تبلیغات هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد و هر واقعیتی را که بخواهد می‌تواند بسازد. در زندگی تجاری خودش هم در گذشته همین رفتار را از خودش نشان داده است. چه در گذشته که در آمریکا برج‌ساز بوده و چه حالا که رئیس‌جمهور آمریکاست فکر می‌کند که با نفی قدرت رسانه‌ها و با پروپاگاندا و تبلیغات می‌تواند برنامه‌هایش را به پیش ببرد. همان‌طورکه در جریان کمپین انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۱۶ هم دیدیم که کم‌وبیش این کار را کرد. ترامپ غافل از این است که رسانه‌ها در آمریکا و در خیلی از کشورهای غربی یک نهاد قدرتمند و ریشه‌دار هستند. از یک سنت دیرپا بالا کشیده شده‌اند و فرازوفرودهای تاریخی بسیاری را پشت‌سر گذاشته‌اند. البته این حرف به این معنی نیست که این رسانه‌ها در آمریکا واقعا نماینده تام‌وتمام حقیقت هستند یا در واقع آن‌جوری که ادعا می‌کنند، پایبند به اصول شرافت حرفه‌ای، اخلاق حرفه‌ای، بی‌طرفی، عینی‌گرایی و مسائلی از این دست هستند و این مسائل در جای خودش قابل نقد و بررسی هست. ولی به‌هرحال نهاد رسانه در غرب و به‌ویژه در آمریکا یک نهاد قدرتمند است و قدرتش را از چند منبع می‌گیرد. و این موضوعی است که ترامپ یا آن را در نظر نگرفته یا خیلی دست‌کم می‌گیرد و مدام با رسانه‌ها در جهت تضعیف‌شان در جدال است.

چرا ترامپ با اینکه به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده از یک نهاد قدرتمند و دیرپا می‌آید، نمی‌تواند باز هم رسانه‌ها را در آمریکا تضعیف کند و می‌بینیم که در سال چهارم ریاست‌جمهوری‌اش همچنان مشغول درگیری با رسانه‌هاست؟

همان‌طور که گفتم رسانه‌ها در آمریکا سنت دیرپایی دارند و از چند منبع قدرت مهم و بزرگ تغذیه می‌شوند که به این راحتی نمی‌توان جایگاه‌شان را تضعیف کرد. یکی از آن منابع به‌اصطلاح منبع غیردولتی‌بودن آنهاست. در واقع رسانه‌ها به دولت و حاکمیت وابستگی ندارند. ممکن است از دولت کمک‌هایی دریافت کنند یا در جاهایی دستشان با قدرت در یک کاسه باشد ولی به هر حال مهم‌ترین ویژگی نهاد رسانه در آمریکا غیردولتی‌بودن و مستقل‌بودنش از دولت و قدرت است. همین مسئله اقتدار رسمی را برای نهاد رسانه شکل می‌دهد. نکته دوم همان‌طور که پیش‌تر عرض کردم سابقه و پیشینه رسانه‌ها در آمریکاست. به هر حال افکار عمومی در آمریکا ذهنیتی از رسانه‌ها در آمریکا دارد و این ذهنیت با این سابقه تاریخی شکل گرفته و به این سادگی‌ها قابل دست‌کاری و ازبین‌بردن و مخدوش‌کردن نیست. به هر حال رسانه‌ها در طول تاریخ عملکردی از خودشان نشان داده‌اند که به خوبی توانسته‌اند اعتماد افکار عمومی را جلب کنند. شما برای مثال در نظر بگیرید که واشنگتن‌پست در جریان واترگیت به هر حال توانست یک رئیس‌جمهور را از قدرت به زیر بکشد. این کار توسط دو خبرنگار در این رسانه صورت گرفت. منهای بازی‌های پشت پرده قدرت دیدیم که کسی نتوانست متعرض این خبرنگارها شده یا رسانه‌شان با تهدیدی مواجه شود. بنابراین این استقلال از نهاد قدرت و همچنین سابقه و پیشینه دو منبع هستند که رسانه‌ها در آمریکا از آن قدرت می‌گیرند و می‌بینیم که به راحتی حتی رئیس‌جمهور آمریکا هم نمی‌تواند چهره آنها را مخدوش کند.

سرانجام درگیری‌های ترامپ و رسانه به کجا می‌کشد؟

ترامپ از زمانی که در مسند ریاست‌جمهوری حاضر شد درگیری‌هایی با رسانه‌ها داشت. او ابتدا خیلی روی موضوع فیک‌نیوزها مانور داد. می‌دانیم که فیک‌نیوزها همیشه بودند و پدیده نوظهوری نیستند. از بدو خلقت بشر فیک‌نیوزها وجود داشته‌اند. گرچه با رسانه‌های مدرن و به ویژه شبکه‌های اجتماعی بازار فیک‌نیوزها معنی جدیدتری به خود گرفته است. دیدیم که ترامپ در جریان حرکت ماشین تبلیغاتی‌اش چندباری توانست با مانوردادن روی فیک‌نیوزها ضربه‌هایی به رسانه‌های آمریکایی بزند و تبلیغاتش را به پیش ببرد. ولی این را باید بدانیم که تبلیغات تا جای مشخصی کارکرد دارد و بیشتر از این نمی‌تواند مؤثر باشد. به مرور زمان واقعیت‌ها آشکار می‌شوند تا حدی که صدای تبلیغات ممکن است به جایی نرسد. هر جایی که این تبلیغات به نتیجه نرسید، ترامپ شروع به فرافکنی می‌کند. در همین جریان همه‌گیری کرونا اگر نگاه کنید، آمریکا با اینکه عنوان قوی‌ترین کشور دنیای آزاد را یدک می‌کشد اما با بالاترین سطح درگیری با این بیماری دست و پنجه نرم می‌کند. ترامپ در روزهای اول اهمیت کرونا را انکار می‌کرد و با حرکاتی سعی در مسخره‌کردن اهمیت‌دادن به موضوع را داشت؛ حالا در موقعیتی قرار گرفته که بیشترین میزان ابتلا و بیشترین میزان مرگ‌ومیر را در دنیا دارد. رخ‌دادن این اتفاق در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری برای ترامپ هزینه زیادی در پی داشته. حجم انتقاداتی که در رسانه‌ها و افکار عمومی از ترامپ شده او را مجبور کرده که در مسیر فرافکنی پا بگذارد. وقتی دستگاه تبلیغاتی ترامپ جواب نداده، مجبور شده مثل خیلی از چهره‌های قدرتمند دیگر مشکل را به منابعی خارج از حیطه قدرت خودش معطوف کند و دیگرانی را مقصر جلوه دهد. دیدیم که ترامپ در جریان همه‌گیری کرونا برای اینکه بار انتقادها را از دولت خودش کم کند چین را متهم کرد. با سازمان جهانی بهداشت وارد درگیری شد و حالا هم رسانه‌های قدرتمند آمریکا را که منتقد دولت او هستند، متهم می‌کند. ترامپ به این مسئله دقت نمی‌کند که با این کار خودش و دولت خودش را هم تضعیف می‌کند. این عملکرد ترامپ به این معنی نیست که با این اقدامات بتواند برای دولتش اقتدار و مشروعیت بخرد. به هر حال نهاد رسانه در آمریکا خیلی ریشه‌دارتر از فرهنگی است که یک رئیس‌جمهور در یک دوره چهار یا هشت ساله بخواهد در کشورش حکمفرما کند. فراموش نکنیم این یک روال معمول در سرتاسر دنیاست که وقتی نهاد قدرت با رسانه‌ها دچار اختلاف‌هایی می‌شود، سعی می‌کند از رسانه‌ها مشروعیت‌زدایی کند و برای مشروعیت‌زدایی هم آنها را به منابع خارجی وصل می‌کنند و به آنها اتهام‌هایی مانند مزدور و جاسوس بودن را می‌زنند. ولی به نظر نمی‌آید ترامپ در اجرای این نقشه تکراری بتواند موفق شود و کار چندانی را پیش ببرد.

زیر پوست شهر

پاک؛ پویشی برای انگ‌زدایی از کرونا

حوالی یک ماه پیش بود که خبر خودکشی یک مادر و فرزند در اثر تبعات شیوع بیماری کرونا ثبت شده بود. پدر خانواده سه هفته پیش و در اوایل فروردین در اثر ابتلا به کرونا درگذشته بود و از آنجایی که به دلیل شیوع این ویروس آنها نتوانستند مراسم سوگواری برگزار کنند، پسر خانواده دچار افسردگی شد. او از برخوردهای اطرافیانش ناراحت بود و از اینکه کسی به دیدن آنها در آن شرایط سوگواری نمی‌آمد، شاکی بود. این پسر جوان نتوانست رفتارهای اطرافیانش را تحمل کند و در نهایت در اواخر فروردین‌ماه دست به خودکشی زد. دو روز بعد از حادثه، مادر خانواده هم به زندگی خود پایان داد. این خبر در همان روزها سروصدای زیادی به‌پا کرد. بعد از آن هم موارد متعددی گزارش شد که برخی افراد به دلیل داشتن علائمی مانند کرونا با رفتارهای زننده‌ای مواجه شدند. مانند آن راننده تاکسی که درباره قفل‌کردن در دستشویی عمومی روی خودش در یک ویدئوی وایرال‌شده توضیح می‌داد یا پیاده‌کردن یک متخصص بیهوشی از پروازی در بوشهر. اینها علاوه‌بر این است که بسیاری از مبتلایان به کرونا پس از بهبودی با انگ‌زدن‌هایی از سوی جامعه مواجه شده‌اند و زندگی برای آنها در این روزهای سخت، سخت‌تر هم شده. به تازگی پویشی آغاز به کار کرده که تلاشش را بر انگ‌زدایی از کرونا متمرکز کرده. این پویش که «پاک» نام دارد، اختصاری از عبارت «پویش انگ‌زدایی کرونا» است و در معرفی خود چنین آورده است: «در این پویش، خواهیم کوشید از انگ کرونا بگوییم و آن را به رسمیت بشناسیم تا صدای آنانی باشیم که کرونا آنان را منزوی کرده و در حس تنهایی فرو برده است». این گروه در اعلان پویش خود نوشته‌اند: «کووید-۱۹ که به کرونا شهرت یافته، مهمان ناخوانده‌ی این‌روزهای ما ایرانیان و جهانیان شده. کرونا آمد و زندگی همه‌ی ما را به «زندگی پیش از او» و «زندگی پس از او» تقسیم کرد. هرچند به نظر می‌رسد که آرام‌آرام موج اول بیماری از سر می‌گذرد، و شرایط کمی متعادل‌تر می‌شود؛ اما تا عادی‌شدن امور و «پاک» شدن آثار و پیامدهای این جهان‌گیری زمانی لازم است. «زندگی پس از او» چهره‌های مختلف داشته، اما بی‌صداترین و پنهان‌ترین آنها، چهره انگ است! بله انگ! و فاصله‌ای که به‌تبع آن میان آدمیان انداخته است. دگرگریز شده‌ایم و شاید خودمان هم از آن بی‌خبریم. کرونا با خود ترس و فاصله و مرزبندی آورده است که مانع از همدلی یا حتی سوگواری می‌شود و کسانی که نام کرونایی بر پیشانی خود می‌گیرند شرم و ترسی را متحمل می‌شوند که باعث اندوه و خشم و تنهایی می‌شود. زندگی پس از او، فقط شستن دست‌ها و فاصله‌گذاری اجتماعی نیست. بهداشت و سلامت روان ما نیز نیازمند نگاهی نو است».

یادداشت‌های کرونایی -۷

زلزله بهتر است یا کرونا؟

صادق زیباکلام

● زلزله چند شب پیش تهران نشان داد که از کرونا بدتر و ترسناک‌تر هم هست. البته تفاوت‌هایی با هم دارند. زلزله به همان اندازه که ترسناک‌تر و خوفناک‌تر است، درعین‌حال سریع هم می‌آید و می‌رود. نه مشکل قرنطینه برای شهروندان ایجاد می‌کند، نه دردسر فاصله اجتماعی را دارد و نه بار مالی اقتصادی برای دولت‌های مصیبت‌زده و ورشکسته به همراه دارد. فرصت زدن ماسک و به‌دست‌کردن دستکش هم به انسان نمی‌دهد. وقتی زلزله چند شب پیش آمد، من در آشپزخانه مشغول نوشتن کار جدیدم پیرامون محمدرضا پهلوی بودم. در لحظات اولیه فکر کردم در طبقه پایین کسی دارد می‌دود، اما آن‌قدرها طول نکشید که فهمیدم زلزله آمده. بی‌اختیار از جای پریدم و به سمت در آشپزخانه رفتم. اعضای خانواده با جیغ و فریاد به وسط هال آمدند و من درحالی‌که چانه خودم از ترس می‌لرزید، فریاد زدم: «نترسید! نترسید! خبری نیست. تمام شد و رفت».

خان‌میرزا خودش را در بغلم انداخته بود و دست مریم را هم گرفته بودم. خانمم تندتند دعا می‌خواند و مهدی سراسیمه از خواب پریده بود؛ آمده بود وسط هال. از توی کوچه‌مان صدای همسایه‌ها می‌آمد که معلوم بود از خانه بیرون زده و به کوچه آمده‌اند. من همچنان می‌گفتم: «نترسید! نترسید! دیگر تمام شد و رفت. دیگر نمی‌آید». آن‌قدر قرص و محکم و باصلابت می‌گفتم «دیگه نمیاد» که انگار از عالم غیب به من اطلاع داده بودند که دیگر زلزله‌ای در کار نیست. خانواده به دو گروه تقسیم شده بودند. اکثریتی که می‌گفتند

برویم بیرون و من که می‌گفتم تمام شد و نیازی نیست بیرون برویم. خانمم هم همچنان در حال سجده‌کردن بود. مریم و خان‌میرزا به دنبال مانتویشان بودند. مریم می‌گفت «شالم را نمی‌تونم پیدا کنم» و خان‌میرزا سرش داد می‌کشید که «حالا تو این وضعیت فکر نکنم گشت ارشاد کاری بهت داشته باشه». و مهدی هم به دنبال شلوارش می‌گشت. من ولی همچنان قرص و محکم می‌گفتم «والا نیازی به بیرون‌رفتن نیست». از همه جالب‌تر ماکان بود که همچنان خواب بود. خان‌میرزا با عصبانیت و درعین‌حال ترس بهم می‌گفت «بابا همچین میگه تموم شد انگار استغفرالله از عالم غیب مسئول اداره زلزله بهش خبر داده که دیگه نمیاد» و بعد هم گفت «بابا همه دارن میرن تو ماشیناشون». فضای مجازی اما به کمکم آمد. پیامک‌های رسمی به‌علاوه پیامک‌های دوستان شروع شد.

آمدن این پیام‌ها حواس همه را به خود جلب و همه را مشغول خودش کرد. به‌این‌ترتیب از موج «برویم بیرون» کاسته شد. یکی از جالب‌ترین پیامک‌ها، اعلام آمادگی ارتش بود برای امدادرسانی به شهرهای مختلف. یک پیامک هم برای مریم آمد که سخنگوی زلزله به اهالی تهران گفته بود نترسند و دستپاچه نشوند. وی اعلام کرده بود که حق تقدم و اولویت با کروناست و تا کرونا تلفات خودش را وارد نکند مسئولان زلزله رعایت حق تقدم را خواهند کرد و دست‌به‌کار نخواهند شد. در آن شلوغی بی‌اختیار به یاد زلزله کرمانشاه افتادم یا اینکه تا ماه‌ها بعد از آنکه خانه‌های دهکده امید ساخته شده بود، اهالی شب‌ها همچنان در کانکس‌ها می‌خوابیدند و جرئت نمی‌کردند در منازلشان بخوابند.

یکی از دشمنان سرشناس جمهوری اسلامی در خارج از کشور علت آن را بی‌اعتمادی زلزله‌زده‌ها به خانه‌هایی که بنیاد مسکن جمهوری اسلامی برایشان ساخته بود عنوان می‌کرد.

ظاهرا ایشان خبر نداشتند که در فاصله ۱۸ ماه بعد از زلزله آبان‌ماه کرمانشاه چهار هزار پس‌لرزه در دشت زهاب و سایر مناطق کرمانشاه آمده بود. بالاخره اهالی منزل را قانع کردم که رفتن به خیابان واقعا ضرورتی ندارد و برای اینکه بالاخره از رفتن منصرفشان کنم، یکی از دمنوش‌های معروفم را که با چندین گیاه درست می‌کنم نصفه‌شبی برایشان مهیا کردم؛ با عسل و آبلیمو. هنوز هم معتقدم زلزله خیلی بهتر از کروناست. دست‌کم تکلیف را همان اول روشن می‌کند. اما کرونا پس از گذشت مدتی تازه قرار است موج دومش از اواخر اردیبهشت و اوایل خردادماه شروع شود.